

شاید شما هم از همکاری با شید که در دوره‌های آموزشی سند تحول و برنامه درسی ملی شرکت کرده‌اید یا اینکه سند را مطالعه و به شکل غیر حضوری در آزمون‌های آن شرکت کرده‌اید، اما هنوز برایتان این سؤال مطرح است که این اسناد چه می‌گویند و به چه کار می‌آیند. اگر چنین است با ما همراه شوید تا شاید پاسخ سؤال خود و تأثیر این اسناد را در کار خود بیابید.

بیایید با تعریف تربیت^۱ از مبانی نظری تحول بنیادین شروع کنیم. یک‌بار تعریف زیر را بخوانید.

مسئله این است! با تربیت یا بی تربیت؟



دکتر میترا دانشور

«تربیت عبارت است از فرایند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متریبان، به صورتی یک‌پارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد». (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹)

و یک‌پارچه است. معیار ۳: تعلیم و تربیت فرایندی پویاست. معیار ۴: تعلیم و تربیت فرایندی هدفمند است. البته این حداقل معیارهایی است که می‌توان بر این تعریف نوشت. شما چه معیارهایی را اضافه می‌کنید؟ خوب حالا که فرایند است چه نوع فرایندی است؟ تعریف می‌گوید «فرایندی تعاملی». از واژه تعامل نمی‌توان به سادگی گذشت. در مبانی نظری سند تحول، تعامل «کنش و واکنشی دوسویه بین دو قطب فعال یعنی مربیان و متریبان» تعریف شده است. (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ص ۱۳۶) همان‌طور که

تنها محصول نیست، «این فرایند ناظر به عمل اجتماعی مستمر، تدریجی، هدفمند، یک‌پارچه (دارای انسجام و سازواری درونی)، پویا و انعطاف‌پذیر است، که باید متناسب با مراحل تحول وجودی افراد (مخاطب و موضوع این عمل هدفمند) طراحی شود و توسط عوامل گوناگون، در قالب انواع مختلف، با پشتیبانی ارکان زندگی اجتماعی و حتی امکان به صورت هماهنگ با دیگر عوامل اجتماعی مؤثر صورت پذیرد.» (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ص ۱۳۶)

معیار ۱: تعلیم و تربیت عملی اجتماعی و مستمر است.

معیار ۲: تعلیم و تربیت فرایندی تدریجی

شاید بگویید این تعریف و تعریف‌های مشابه آن را بارها و بارها در کتاب‌های تعلیم و تربیت خوانده‌ایم؛ با این حال بیایید به این تعریف به گونه‌ای دیگر نگاه کنیم. فرض کنید شما به عنوان برنامه‌ریز، مؤلف، مدیر و یا معلم می‌خواهید از این سند معیارهایی برای سنجش میزان تحقق تحول استخراج کنید، چه معیارهایی استخراج خواهید کرد که با آن بتوان درباره برنامه درسی ملی، کتاب‌های درسی و نیز، فرایند یاددهی - یادگیری در مدرسه و کلاس قضاوت کرد که آیا در جهت تحول هستند یا خیر؟ شروع کنیم. حتماً موافقتی که کلیدواژه «فرایند» معیارهایی به ما می‌دهد. تعلیم و تربیت

می بینید در این تعریف تعامل دو سویه بین یاددهنده و یادگیرنده مورد توجه قرار گرفته است. اما در ادبیات تعلیم و تربیت این واژه به انواع تعامل یاددهنده - یادگیرنده، تعامل یادگیرنده - یاددهنده، تعامل یاددهنده - محتوا، تعامل یادگیرنده - محتوا، تعامل با فناوری، تعامل با محیط طبیعی، تعامل با محیط اجتماعی بر شمرده می شود. لذا معیارهای زیر را می توان از آن استخراج کرد.

معیار ۱: فرایند تعلیم و تربیت، فرایندی تعاملی بین یاددهنده و یادگیرنده است.

معیار ۲: فرایند تعلیم و تربیت، فرایندی تعاملی بین یادگیرنده و یاددهنده است. (کار گروهی)

معیار ۳: فرایند تعلیم و تربیت، فرایندی تعاملی بین یاددهنده و یاددهنده است. (گروه آموزشی)

معیار ۴: فرایند تعلیم و تربیت، فرایندی تعاملی بین یاددهنده و محتواست. (یعنی یاددهندگان در کلاس درس تولید محتوا نقش دارند).

معیار ۵: فرایند تعلیم و تربیت، فرایندی تعاملی بین یادگیرنده و محتواست. (یعنی یادگیرندگان در کلاس در تولید محتوا نقش دارند).

معیار ۶: فرایند تعلیم و تربیت، فرایندی تعاملی بین یاددهنده، یادگیرنده و فناوری است.

معیار ۷: فرایند تعلیم و تربیت، فرایندی تعاملی بین یادگیرنده و محیط طبیعی است.

معیار ۸: فرایند تعلیم و تربیت، فرایندی تعاملی بین یادگیرنده و محیط اجتماعی است.

خوب فعلاً از دو کلیدواژه ۸ معیار استخراج شده است که بود یا نبود آن‌ها نشانه بودن یا نبودن تحول است. فکر می کنید کلیدواژه بعدی چیست؟ شاید بگویید زمینه ساز، اما زمینه ساز چه چیزی؟ و چگونه؟ درست فکر کردید؛ «زمینه ساز تکوین و تعالی هویت متریبان به صورت یک پارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی». پس معیار بسازید شاید معیارهای شما هم شبیه معیارهای زیر باشد.

معیار ۱: تعلیم و تربیت فرایندی تکوینی و تعالی جویانه است.

معیار ۲: تعلیم و تربیت فرایندی زمینه ساز

شکل گیری هویت یادگیرندگان است.

معیار ۳: تعلیم و تربیت فرایندی زمینه ساز شکل گیری هویت یادگیرندگان به صورت یک پارچه است.

معیار ۴: تعلیم و تربیت فرایندی زمینه ساز شکل گیری هویت یادگیرندگان مبتنی بر نظام معیار اسلامی است.

مبانی نظری تحول بنیادین، هویت راه، که باید تدریجی، تعالی جویانه، یک پارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی شکل بگیرد، این گونه تعریف می کند: «هویت به طور کلی برآیند تعامل اختیاری آدمی با مجموعه ای از عوامل و موانع مؤثر بر وجود اوست که در قالب ترکیبی از بینش ها، باورها، گرایش ها، تصمیمات، اعمال مداوم (فردی و جمعی) و آثار تدریجی آن ها به تدریج در درون خود فرد شکل می گیرد و به همین منوال متحول می گردد.» (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ص ۱۳۲)

استخراج معیار را می توان با ادامه تعریف تربیت که هدف کلی آن را بیان می کند انجام داد، ولی برای این نوشته همین قدر

کافی است؛ بقیه آن را خودتان انجام دهید. به نظر شما تغییرات ایجاد شده در کتاب های درسی، دوره های آموزشی ضمن خدمت، مدیریت مدرسه، و فرایند یادگیری در کلاس درس چقدر متأثر از این معیارهاست؟ بیایید معیارها را در یک سیاهه یا چک لیست قرار دهیم.

اگر بخواهید براساس رعایت این معیارها فرایند تدریس خود را ارزیابی کنید چه امتیازی به خود می دهید؟

این ها نمونه هایی از معیارهای سنجش حرکت در جهت تحول در نظام آموزشی هستند. تغییر می تواند منجر به تحول بشود یا در حد تغییر باقی بماند. شما چقدر کلاس خود را تحوّل هدایت می کنید؟

***بی نوشتها**

۱. منظور از تربیت در مبانی نظری سند تحول، همان تعلیم و تربیت است.

***منبع**

مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، استنباط و پردازش مفاهیم کلیدی، شورای عالی آموزش و پرورش، آذرماه ۱۳۹۰، صص ۱۲۹ - ۱۳۹

ردیف	معیار	آری	خیر
۱	به فرایندها به عنوان عملی اجتماعی مستمر، توجه شده است.		
۲	به تدریجی و یک پارچه بودن فرایندها توجه شده است.		
۳	به پویا بودن فرایندها توجه شده است.		
۴	به هدفمند بودن فرایندها توجه شده است.		
۵	فرصت تعامل بین یاددهنده و یادگیرنده فراهم شده است.		
۶	فرصت تعامل بین یادگیرنده و یادگیرنده فراهم شده است.		
۷	امکان تعامل بین یاددهنده و یاددهنده فراهم شده است.		
۸	امکان تعامل بین یاددهنده و محتوا فراهم شده است. (یعنی یاددهندگان نیز در تولید بخشی از محتوا نقش دارند.)		
۹	امکان تعامل بین یادگیرنده و محتوا فراهم شده است. (یعنی یادگیرندگان نیز در تولید بخشی از محتوا نقش دارند.)		
۱۰	فرصت تعامل بین یاددهنده، یادگیرنده و فناوری فراهم شده است.		
۱۱	فرصت تعامل بین یاددهنده، یادگیرنده و محیط طبیعی فراهم شده است.		
۱۲	فرصت تعامل بین یاددهنده، یادگیرنده و محیط اجتماعی فراهم شده است.		
۱۳	فرایندها تکوینی و تعالی جویانه اند.		
۱۴	فرایندها زمینه ساز شکل گیری هویت یادگیرندگان اند.		
۱۵	فرایندها زمینه ساز شکل گیری هویت یادگیرندگان به صورت یک پارچه اند. (منظور توجه به همه ابعاد است.)		
۱۶	فرایندها زمینه ساز شکل گیری هویت یادگیرندگان مبتنی بر نظام معیار اسلامی اند.		